

ابن عباس نابغه تفسیر لغوی قرآن

دکتر سید مرتضی حسینی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

ابن عباس به عنوان یکی از مفسران بزرگ و بلند مرتبه قرآن کریم از شعر جاهلی برای فهم و درک واژگان نامأنوس قرآن کمک می‌جسته است.

پرسش‌های نافع بن ازرق و پاسخهای ابن عباس با استناد به اشعار جاهلی که قریب به دوپست مورد است، سندی است دالّ بر تاکید بسیار این مفسر برجسته بر اهمیت شعر در بیان لغات غریب قرآنی. این شیوه که از آن به «تفسیر لغوی قرآن» تعبیر می‌شود به اذعان اکثر محققان علوم قرآنی، برای اولین بار توسط او ابداع گردیده است.

در مقاله پیش رو شخصیت علمی و برخی از آثار منسوب به ابن عباس و روش تفسیری او در استفاده از اشعار جاهلی عرب جهت شرح واژگان ناآشنای قرآنی و همچنین صحت یا سقم انتساب مسائل نافع به ابن عباس، جواز استشهاد به شعر عرب در تفسیر قرآن یا عدم جواز آن، بررسی شده است.

مقدمه

ابوالعباس عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، پسر عموی پیامبر¹ و جدّ اعلاّی خاندان بنی عباس، محدّث، مفسّر، فقیه و مورّخ صدر اسلام از اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علی علیه السلام است.

ابن عباس پس از علی بن ابی طالب علیه السلام مشهورترین صحابی در عرصه تفسیر قرآن است² و مورد قبول فریقین به شمار می‌آید. جایگاه او در علم تفسیر در حدی است که به وی لقب «پدر علم تفسیر» داده‌اند³ هر چند که به اذعان خود او هر آنچه از تفسیر قرآن دارد از علی علیه السلام آموخته است و علم او در برابر علم امیر المؤمنین چونان قطره‌ای در برابر اقیانوس لایتناهی است.⁴

اما آنچه باعث شهرت ابن عباس شده، فقط تبخّرش در علم تفسیر نیست، بلکه او در علوم دیگر از قبیل حدیث، فقه شعر و تاریخ نیز سرآمد بوده، به ویژه در عصر خود در میدان شعر عربی، فردی بی رقیب و آگاه‌ترین شخص شمرده می‌شده است.⁵

ابن عباس از چهره‌های درخشان جهان علم و دانش به شمار می‌رود، به ویژه مهارت وی در تفسیر و تأویل قرآن، شهره آفاق است.⁶ او از معدود صحابه‌ای است که میان دو فرهنگ قدیم موروثی (شعر جاهلی) و جدید مقدّس (قرآن کریم) انسجام و هماهنگی ایجاد کرد... و طرح او که در سبک تفسیری‌اش متبلور شده، اولین طرح علمی روشمندی است که در قرار دادن ادب و شعر به عنوان اساس تولید فرهنگ پس از اسلام، مشارکت فعالی دارد.⁷

لغت عرب (شعر یا نثر) مصدر اصیلی برای تفسیر کلمات قرآن محسوب می‌گردد و خصوصاً شعر عرب از گسترده‌ترین منابعی بوده که مفسران پیشین و لغویون برای تبیین و شرح واژگان قرآنی از آن استمداد می‌جسته‌اند و این امر از تتبّع تفاسیر و آثار آنان کاملاً مشهود است. این امر را می‌توان به وضوح در روایات تفسیری ابن عباس مشاهده کرد. او اولین مفسری است که در علم واژگان قرآنی وارد شده و کلمات دشوار آیات را با کمک



شعر جاهلی تفسیر کرده است. پس از وی نیز این روش را برخی از شاگردانش مثل قتاده و مجاهد و سعید بن جبیر ادامه داده و بر دامنه آن افزوده‌اند. فؤاد سزکین در این باره می‌گوید: «تفسیرهای این دانشمندان [مجاهد، عکرمه، ابن جبیر، عطاء بن ابی رباح و ضحاک بن مُزاحم] و تفسیر استادشان ابن عباس با شرحهای تاریخی و فقهی و به تصویر کشیدن عالم غیب در کنار بسیاری توضیحات لغوی در حیظه واژه شناسی همراه است»⁸

تعداد روایات «تفسیر لغوی» او بالغ بر دویست روایت است.⁹ سبب آن محادثه‌ای است که میان او و نافع بن ازرق¹⁰ از دانشمندان بزرگ خوارج شکل گرفته است.¹¹

مراد از «تفسیر لغوی» «بیان معانی قرآن با الفاظ و اسالیبی که در زبان عرب آمده و قرآن بر مبنای آن نازل شده» است و دیگر مصادر مانند قرآن، سنت، اسباب نزول، و... در این نوع تفسیر در نظر گرفته نمی‌شود.¹²

ولادت و وفات

در تاریخ ولادت وی اختلاف است؛ ولی مشهور این است که ابن عباس سه سال قبل از هجرت در شعب ابی طالب به دنیا آمد و طبق این روایت مشهور، سن او به هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله سیزده سال بوده است.¹³

در تاریخ وفات ابن عباس، نیز اختلاف است؛ ولی مشهور این است که ابن عباس در سال 68 هجری قمری و در سن هفتاد سالگی در شهر طائف بدرود حیات گفت و محمد بن حنفیه بر او نماز خواند و جنازه‌اش را در همانجا دفن نمود.¹⁴

مذهب

ابن عباس به طور قطع فردی شیعی و پاک‌اعتقاد بود.¹⁵ سجستانی از ابن عباس روایت کرده که گفت: «به خدا سوگند که ولایت علی علیه السلام بر عهده این مردمان فریضه واجب است»¹⁶ از این گذشته، جایگاه او در دفاع از حریم اهل بیت علیه السلام بسی بلند و



فراوان بوده است¹⁷ چرا که ایشان از کودکی در محضر امام علی علیه السلام تحت تعلیم و ارشاد بوده و از خواص شاگردان آن حضرت محسوب می‌گردد. حال او در جلالت و اخلاص برای امیرالمؤمنین علیه السلام مشهورتر از آن است که مخفی بماند.¹⁸

ابن عباس تفسیر قرآن و حدیث و فقه و حکمت را از امیر المؤمنین علیه السلام آموخت.¹⁹ استاد پیشوائی می‌نویسند: «یکی از فعالیت‌های امیرمؤمنان علیه السلام در دوران خلفا؛ تفسیر قرآن و حل مشکلات بسیاری از آیات و تربیت شاگردانی مانند عبدالله بن عباس بود که بزرگترین مفسر اسلام در میان اصحاب به شمار می‌رفت»²⁰ ابن عباس خود نیز می‌گوید: «آنچه از تفسیر قرآن به دست آورده‌ام از علی بن ابیطالب آموخته‌ام»²¹

ابن ابی الحدید معتزلی وقتی از علی علیه السلام و پایه ریزی علوم عربی از جمله علم تفسیر توسط ایشان سخن به میان می‌آورد، به این حقیقت که ابن عباس از مدرسه و مکتب اهل بیت علیه السلام کسب دانش کرده، نیز اشاره می‌کند و در ادامه بحث خود، سخنی از ابن عباس دالّ بر این امر بیان می‌دارد: «دانش من در جنب علم علی علیه السلام، همچون قطره‌ای باران در برابر اقیانوس بیکران است»²²

امام بدرالدین زرکشی نیز می‌گوید: «سرآمد مفسران از صحابه، علی بن ابی طالب است و سپس ابن عباس که حیات خود را وقف تفسیر کرده بود؛ لذا تفسیر به جای مانده از وی افزون از تفسیر برجای مانده از علی است، گرچه ابن عباس تفسیر خود را از علی گرفته است»²³

جایگاه علمی

در کتب حدیثی و تاریخی با تعابیر مختلفی نقل است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای ابن عباس دعا کرد و فرمود: «اللهم علّمه الحکمة» (خدایا! او را حکمت بیاموز) و یا «اللهم فقهه فی الدین و علّمه التأویل» (خدایا! او را علم دین بیاموز و بر تأویل قرآن آگاه



ساز) و نیز روایت شده که فرمود: «اللهم أعطه الحكمة و علّمهُ التَّوْبِيلَ» و یا «اللهم بارکْ فیه و أنشُرْ مِنْهُ» (خدایا! او را برکت و از طریق او علم دین را نشر ده)²⁴

جایگاه علمی ابن عباس مورد ستایش همگان از جمله مولای متقیان حضرت علی علیه السلام است، چنانکه آن حضرت در وصف دانش شاگرد ممتازش فرمود: «گویا ابن عباس حقایق غیبی را از ورای پرده ظریفی می‌نگرد»²⁵

همچنین صحابی بزرگ و مفسر قرآن، ابن مسعود (ف32هـ) درباره وی می‌گوید: «ابن عباس عجب ترجمان خوبی برای قرآن است»²⁶ از عطاء بن ابی رباح (ف115هـ) فقیه مشهور و مفتی مکه نقل است که گفت: «از مجلس درسی او بهتر ندیدم، چرا که اصحاب فقه و قرآن و شعر، همه از منبع گسترده او بهره می‌بردند»²⁷ محمد بن حنفیه فرزند امام علی علیه السلام در بیان مقام و عظمت علمی ابن عباس کلامی را در زمان تشییع پیکر او ایراد می‌کند و می‌گوید: «به خدا سوگند امروز ربّانی این امت درگذشت»²⁸

دانشمندان معتقدند که نبوغ و قوت فهم و وسعت درک و ممتازی ابن عباس در میان صحابه نتیجه چند امر است از جمله: معاشرت او با نبی مکرم صلی الله علیه و آله، دعا‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در حق او، مصاحبت با بزرگان صحابه، استعداد فراوان و هوش سرشار، کوشش و شوق بی‌اندازه در کسب دانش، اجتهاد شخصی و شجاعت در بیان آن²⁹، تسلط به زبان عربی و ویژگی‌ها و شیوه‌های بیان آن.³⁰

ابن عباس به دلایل ذکر شده به جایگاهی دست یافت که از او در کتب مختلف با عناوینی چون «حَبْرِ امّت» (عالم امت)، «بحر امت» (دریای علمامت) «ترجمان قرآن» (زبان قرآن، بازگو کننده نهفته قرآن)، «فارس قرآن» (اسب سوار میدان قرآن)، «امام و رئیس و شیخ مفسران»، «ربّانی امت» و «وارث دو سوم علم پیامبر» یاد می‌شود.³¹



البته دانش ابن عباس محدود به تفسیر و حدیث نبود؛ به جز این، نقل است که او در ایام العرب (جنگ‌های قبیله‌ای قبل از اسلام)، مغازی (لشکرکشی‌های سپاه اسلام)، فقه و شعر جاهلی تخصص داشته است.³²

مقام تفسیری

تعداد اندکی از صحابه جزء مفسران قرآن محسوب شده و آثاری از آنان در تفسیر باقی مانده است، علاوه بر آنکه در بین همین عده نیز تعداد روایات تفسیری نقل شده از هر کدام با دیگری بسیار متفاوت است. سیوطی در این باره می‌نویسد: «از میان صحابه، ده نفر به نام مفسر قرآن شهرت یافتند که عبارتند از: خلفای اربعه [ابوبکر، عمر، عثمان، علی علیه السلام]، ابن مسعود، ابن عباس، ابی ابن کعب، زید بن ثابت، ابوموسی اشعری و عبدالله بن زبیر... روایات تفسیری سه خلیفه نخست، بسیار اندک است و آن به دلیل رحلت زود هنگام آنان و اشتغالشان به مسائل خلافت و حکومت و وجود عالمان و آگاهان به قرآن در زمان آنان بوده است؛ اما از میان خلفای اربعه بیشترین روایات تفسیر قرآن از علی بن ابی طالب نقل شده است... همچنین از این میان، روایات تفسیری ابن عباس و ابن مسعود و ابی بن کعب فراوان است... اما باقی افراد هر چند که شهرت به تفسیر دارند؛ اما روایت زیادی از آنان به ما نرسیده است»³³

منابع تفسیری ابن عباس شامل قرآن کریم، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحابه به خصوص حضرت علی علیه السلام، اخبار اهل کتاب (یهود و نصاری)، اجتهاد شخصی و اشعار جاهلیت عرب است. به ویژه برای فهم واژگان غریب قرآن به اشعار زمان جاهلیت استناد می‌کرد.³⁴ روشن‌ترین سند این ادعا پرسش‌های نافع بن ازرق و پاسخ‌های ابن عباس در تبیین معنای الفاظ نامأنوس قرآنی با استناد به اشعار جاهلی -



قریب به دو یست مورد - است.³⁵ گلدزیهر درباره مسائل نافع و شیوه بی سابقه ابن عباس در پاسخ به او می گوید: «این بدیع ترین شیوه تحقیق لغوی در تفسیر قرآن است»³⁶

مسائل نافع دارای ارزش ادبی، علمی و تاریخی است. البته باید گفت که این روش مورد نظر و تأیید برخی از هم عصران ابن عباس بوده است، مثلاً از خلیفه دوم نقل شده که گفته است: «دیوان خود را حفظ کنید تا گمراه نشوید. اطرافیان گفتند: دیوان ما چیست؟ گفت: شعر جاهلیت؛ زیرا تفسیر کتاب شما و معانی گفتارتان در آن موجود است»³⁷

آثار مشهور ابن عباس

ابن عباس مفسر قرآن کریم و راوی بسیاری از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و مورد ثقه از سوی فریقین است. عالمان مسلمان در گذشته و حال و نیز بسیاری از اسلام پژوهان غیرمسلمان در غرب - که محقق تاریخ صدر اسلام به شمار می آیند - وی را شخصیتی مهم در تکوین دانش‌هایی چون تاریخ فقه، نحو، لغت و تفسیر اسلامی قلمداد می کنند.³⁸

استاد سید محمد باقر حجتی گزارشی کوتاه از آثاری که به ابن عباس منسوب بوده و محققان اسلامی از آنها نام برده اند را ذکر کرده و تحقیق و بررسی درباره آنها را به پژوهشگران علاقمند معاصر واگذار نموده است که از آن جمله است: صحیفه فی التفسیر، تفسیر ابن عباس، تفسیر ابن عباس عن الصحابه (تفسیر جلودی)، التأویل، الناسخ و المنسوخ، تنویر المقباس، قصة الإسراء و المعراج، الدعاء المنظوم یا دعای سریانی، غریب القرآن (سؤالات نافع بن الأزرق).³⁹

در این مقاله از میان آثار فوق به معرفی و بررسی چند اثر مشهور منسوب به ابن عباس می پردازیم:



الف) تفسیر منسوب به ابن عباس

ابن عباس در علم تفسیر قرآن، دارای جایگاه بی بدیلی است. او نه تنها در بین هم عصران خود سرآمد بود، بلکه بعد از او نیز کسی در این علم به حد او نرسید. هر چند برخی از محققان بر این باورند که شهرت و نفوذ وی در تفسیر قرآن همزمان با شروع اقتدار سیاسی خلفای عباسی شکل گرفته و با ثبات خلافت عباسی به اوج خود رسیده و با زوال ایشان روبه افول گذارده است.⁴⁰

امام شافعی بیان می‌کند که شبیه به صد حدیث از ابن عباس در باب تفسیر وجود دارد⁴¹ و لذا جای شک و تردید در بیشتر احادیث تفسیری به جای مانده از او دور از انتظار نیست.⁴² دکتر صاوی می‌گوید: «شاید فزونی حدیث‌های دروغین و جعلی که به وی نسبت داده شده را بتوان نشانه‌ای بر ارج و بزرگواری وی در دیده جعل‌کنندگان دانست که تمایل فراوان داشته‌اند کالای خود را با نام و نشان فردی که رواج علمی دارد، عرضه کنند»⁴³

شایان ذکر است در روایات تفسیری به جای مانده از ابن عباس، توجه به مفهوم لغوی کلمات، تفسیر آیه به آیه، بیان اسباب نزول، توجه به عادات و افعال عرب، داستان پردازانه و قصصی بودن روایات و اجتهادات ابن عباس از ویژگی‌های بارز روایات تفسیری او شمرده می‌شود.⁴⁴

ابن عباس از ترکیب لغت و روایت و رأی، تفسیر کاملی پی‌ریزی نمود که پایه تفسیر اسلامی و الهام‌بخش همه مفسران بعدی گردید. هر چند واژه‌های غریب قرآن و حدیث در کتب «غریب القرآن» و «غریب الحدیث» و اکثر کتب تفسیری آمده لکن ابداع این طریق توسط ابن عباس بود و دیگران این کار را گسترده‌تر و بارورتر ساختند.⁴⁵

کتابی که در تفسیر قرآن توسط خود ابن عباس تألیف یا نگارش یافته باشد در دست ما نیست. بلکه اصل نگارش چنین کتابی مورد تردید است و کتاب شناسان نیز از وجود آن خبر نداده‌اند؛ ولی از کتاب‌هایی که به نام او جمع آوری یا مطالب آنها از او نقل شده خبر



داده‌اند که از این قرار است: کتاب التفسیر یا تفسیر الجلودی عن ابن عباس، تفسیر ابن عباس عن الصحابة، کتاب ابن عباس یا تفسیر ابن عباس، تفسیر عکرمه عن ابن عباس، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، صحیفه علی بن ابی طلحه عن ابن عباس فی تفسیر القرآن، و غریب القرآن فی شعر العرب یا سوالات نافع بن الأزرق عن عبدالله بن عباس (دو کتاب اخیر به تازگی چاپ شده؛ اما در کلام کتاب شناسان خبری از آنها یافت نشد)⁴⁶ در مجموع به نام ابن عباس، سه تفسیر به شرح زیر شهرت یافته است:

1. تفسیری که مُجاهد بن جَبْر روایت کرده و ابن ندیم آن را در الفهرست با دو روایت یادآور شده است.

2. تفسیر ابن عباس از صحابه که توسط ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی (ف 332هـ) گردآوری شده است.

3. تفسیر معروف به تنویر المقباس من تفسیر عبدالله بن عباس که در چهار بخش است. می‌گویند: محمد بن یعقوب فیروز آبادی صاحب قاموس (817 - 729) آن را گردآوری کرده و در حاشیه الدر المنثور چاپ شده و جداگانه نیز بارها به چاپ رسیده است. در هر صورت این تفسیر هم مجهول السند است و هم مؤلف مخصوصی برای آن شناخته نشده تا چه رسد به کسی مثل ابن عباس. آنچه از مراجعه به این تفسیر روشن می‌شود این است که گردآورنده بر آن بوده که تفسیری به غایت ساده از قرآن ارائه کند که در حد ترجمه‌ای کوتاه و برای همه قابل فهم باشد که البته امری مطلوب و کاری در خور تحسین است. ضمناً خواسته است از باب تیمن و تبرک در ابتدای هر سوره روایتی از ابن عباس بیاورد، ولی مقصود او این نیست که آنچه درباره تفسیر سوره ذکر شده جملگی از خود ابن عباس است. این امر بر بسیاری مخفی مانده و تمامی آن را تفسیر مستند به ابن عباس پنداشته‌اند؛ ظاهر عبارت موجب این توهم می‌گردد.⁴⁷



شایان ذکر است که دکتر خضیر جعفر با انجام پژوهشی که تاکنون منتشر نشده، موضوع انتساب این تفسیر را به ابن عباس به طور کامل بررسی کرده است و با بیان 39 دلیل اثبات می‌کند که ارتباطی میان ابن عباس و تفسیر تنویر المقباس منسوب به او وجود ندارد.⁴⁸

ب) اللغات فی القرآن

از دیگر آثار قرآنی منسوب به ابن عباس اللغات فی القرآن است که در برخی از نسخه‌های خطی موجود، نام آن غریب القرآن ذکر شده است. از این کتاب در برخی منابع با نام غریب القرآن⁴⁹ و یا لغة القرآن و لغات القبائل الواردة فی القرآن الکریم نیز یاد شده است. شگفت‌تر آنکه در حقیقت این کتاب شرح بعض العبارات الغریبه فی القرآن تألیف عالم اصفهانی، حافظ ابوطاهر احمد بن محمد سلفی (ف576هـ) است.⁵⁰ همچنین ابن ندیم در فهرست آثار تألیف شده در حوزه غریب القرآن، به تألیفی از ابن عباس اشاره نکرده است.⁵¹

ج) مسائل نافع بن الأزرق

شاید گسترده‌ترین اثری که از ابن عباس در مهارت وی در شناخت لغت و اشعار عرب بر جای مانده است، مجموعه مسائلی است که نافع بن ازرق (ف65هـ)، سرکرده گروه ازارقه از فرقه خوارج، از ابن عباس پرسیده است.⁵² اگر از چارچوب مکانی و زمانی این سؤالات بخواهیم سخن بگوییم باید گفت آن در مکه مکرمه حادث شده، جایی که محل برگزاری جلسات علمی ابن عباس بوده است.⁵³ اما درباره زمان وقوع آن، هیچ مورخ یا ادیب یا ناقدی به جز دکتر احمد خیاطی مطلبی ذکر نکرده است. ایشان با کنار هم قرار دادن قراین زمانی ذکر شده‌ای که به نوعی با این سؤالات و اشخاص آن مرتبط است، زمان وقوع محادثه را تقریباً بین سالهای 45 و 55 هجری می‌داند.⁵⁴ این مجموعه حاوی 190 واژه غریب قرآنی با شواهدی از شعر جاهلی است. سیوطی در فضل سی و ششم کتاب الاقتان متن کامل این مجموعه را آورده است و در پایان بحث یادآور می‌شود که تقریباً ده

مسأله را حذف کرده و این نشان می‌دهد که تعداد مسائل نافع به حدود دویست مسأله می‌رسد.⁵⁵ هر چند تصور می‌شود که بخشی از این سؤالات متعلق به نافع بوده و سپس به آن سافزوده شده است؛⁵⁶ ولی در هر حال مشخص می‌کند که ابن عباس در تفسیر قرآن به شعر عرب توجه داشته و آن را مورد استشهاد قرارداده است. قبل از سیوطی به تصریح خود او، برخی از مسائل نافع را ابن انباری (ف328هـ) در کتاب خود *ایضاح وقف و ابتداء*⁵⁷ و برخی دیگر را طبرانی (ف360هـ) در *معجم کبیر*⁵⁸ ذکر کرده‌اند⁵⁹ مبرّد نیز در *کامل*⁶⁰ و هیشمی در *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*⁶¹ بخشی از این روایت را آورده‌اند.

در میان پژوهندگان معاصر، محمد فؤاد عبدالباقی متن سؤالات را به عنوان ضمیمه کتاب *معجم غریب القرآن مستخرجاً من صحیح البخاری* مورد مطالعه قرار داده و بار دیگر با تحقیق جامع و مفصل دکتر عایشه عبدالرحمان بنت الشاطی در کتاب *الإعجاز الیبانی للقرآن و مسائل ابن الأزرق*، و نیز با تحقیق دکتر ابراهیم سامرای با نام *سؤالات نافع بن الأزرق إلى عبدالله بن عباس* به طبع رسیده است. همچنین شیخ ابوتراب ظاهری در جزء اول کتاب *شواهد القرآن به سؤالات نافع پرداخته* و سپس دکتر عبدالرحمان عمیره تحت عنوان *مسائل الإمام الطستی* به چاپ آن مبادرت ورزیده است.⁶²

در کنار کتابهای فوق، نباید از *مسائل نافع بن الأزرق* دکتر محمد احمد دالی، و *غریب القرآن فی شعر العرب، سؤالات نافع بن الأزرق عن ابن عباس* محمد عبدالرحیم و احمد نصرالله غافل ماند.

این نکته شایان ذکر است که مسائل نافع [در اتقان سیوطی] از جنبه ادبی و از این زاویه محل اهتمام قرار گرفته که دلیل و شاهی است برای آنان که شعر را ارزشمند تلقی می‌کنند. پس جای شگفت نیست که مسائل نافع بن ازرق بیشتر مورد عنایت عالمان لغت و ادب قرار گرفته باشد [مانند ابو عبیده، مبرّد، ابن انباری و برخی دیگر] تا صاحبان تفسیر.⁶³



در حالی که اکثر نویسندگان و پژوهشگران توجه خود را به محتوا و مضامین روایت شده در مسائل نافع معطوف داشته‌اند، یکی از محققان معاصر عرب در رساله دکتری خود با نام *التفسیر اللغوی للقرآن الکریم* به بررسی و کنکاش سندهای روایت مسائل نافع از منابع مختلف مانند معجم کبیر طبرانی، *اتقان سیوطی*، *ایضاح الوقف و الإبتداء* ابن انباری، کامل مبرد و نسخه‌ای خطی در ظاهریه که در کتاب *مسائل نافع* با تحقیق دکتر دالی ذکر شده، پرداخته است و سلسله اسناد و راویان آنها را خالی از اشکال ندانسته و به آن خرده گرفته و صحت نسبت مسائل نافع به ابن عباس - آن هم به شکل کنونی که بالغ بر دویست مسأله است - را رد کرده و به درستی همان چند روایت مذکور از ابن عباس در تفسیر لغات قرآن با شعر عربی که به صورت پراکنده در کتب مختلف دیده به چشم می‌خورد اکتفا کرده است. وی می‌گوید: «عجیب این است که روایت مسائل نافع را بعضی از کتب ادب و حدیث نقل کرده‌اند؛ ولی در کتب قدیم تفسیر و کتابهای لغت ذکری از آن به میان نیامده است، در حالی که مسائل نافع به دو علم تفسیر و لغت مرتبط‌تر است تا به علوم دیگر... از سوی دیگر بعید نیست که ابیات مورد استشهاد ابن عباس، متعلق به شعرای پس از او باشد که این امر باید مورد تحقیق قرار گیرد»⁶⁴ همچنین برخی از رجال شناسان شیعه، رجال سند سیوطی را توثیق نکرده‌اند و برخی از جهت دیگری ساختگی بودن یا زیاده و تحریف آن را احتمال داده‌اند.⁶⁵ ممکن است اشکال شود که چرا تفسیر مجاهد بن جبر که از مشهورترین شاگردان ابن عباس بوده و تفسیر او هم اکنون موجود است و یا تفاسیر منسوب به ابن عباس که به طبع رسیده، حتی یک اشاره گذرا به مسائل نافع و جواپها و شواهد شعری ابن عباس نکرده‌اند؟⁶⁶ نیز برخی از مستشرقان و پژوهشگران عرب مانند دکتر طه حسین و دکتر جواد علی قائل به اسطوره بودن آن مسائل هستند. انگشتان این پژوهشگران به متهم اول یعنی عیسی بن یزید معروف به ابن دأب لیبی بکری کنانی، خطیب، شاعر، راوی اهل مدینه اشاره می‌کند.⁶⁷



در پاسخ به اشکالاتی که مطرح شد، باید به چند نکته ذیل توجه کرد:

1. پرسشهای ابن ازرق از ابن عباس فقط محدود به موارد مذکور در برخی کتب که حداکثر در حدود دویست و پنجاه سؤال است (غریب القرآن فی شعر العرب، تحقیق محمد عبدالرحیم و احمد نصرالله) نمی‌شود، بلکه در کنار این سؤالات که صبغه ادبی داشته و با شواهد شعری بیان شده، مجموعه پرسشهای نافع از ابن عباس در تفاسیر قرآنی به صورت پراکنده در موضوعات قرائات و تفسیر و فقه و توحید و امور غیب و حتی صحبت از حیوانات مانند داستان هدهد حضرت سلیمان علیه السلام یافت می‌شود، با این تفاوت که دیگر در این گونه مسائل، بحث استشهاد به کلام و شعر عرب و جنبه‌ای خاص مانند جوانب لغوی کلام مطرح نیست.⁶⁸

2. یکی از پژوهشگران معاصر، به صحت سؤالات نافع از ابن عباس معتقد است و برای آن استدلال‌هایی ذکر می‌کند و می‌گوید: «نمی‌توانیم بپذیریم که دیدار نافع و ابن عباس و پرسش و پاسخ طولانی میان آنان به یک جلسه محدود شده باشد؛ ولی این امر نمی‌تواند دلیلی باشد که تمامی سؤالات از نافع نیست. بلکه فرض می‌کنیم این امر یک باره صورت نپذیرفته و به دیدارهای بعدی منتهی شده؛ اما در دیدار اول بخش معظم محادثه میان آن دو انجام شده است، چرا که مبرد می‌نویسد: «نافع شروع به پرسش کرد تا جایی که ابن عباس به ستوه آمد و آثار خستگی در او نمایان شد» همچنین از مهمترین دلایل اعتقاد ما به اینکه سؤالات از جانب یک شخص است: زبان واحد سؤالات، اندیشه واحد پرسش‌ها، ساختار بدون تغییر و ریتم واحد و پیوسته سؤالات است»⁶⁹

3. علاوه بر این ممکن است از کثرت آن، گمان قوی حاصل شود که وی در تفسیر آیات و تبیین مفردات قرآن چنین شیوه‌ای را اعمال می‌کرده است. به خصوص که این روش مطابق با قاعده است و انگیزه‌ای برای جعل این نقل‌ها به نظر نمی‌رسد.⁷⁰



4. مسائل نافع نیز به مانند دیگر علوم نخستین در اسلام به هنگام شکل‌گیری‌اش تدوین نشده است و دانشمندان فقط به صورت شفاهی به نقل آن می‌پرداختند. در قرن چهارم هجری توسط برخی از علماء آن مقدار از مسائل نافع که میسر بوده جمع آوری شده است که بزرگترین این مجموعه‌ها متعلق به امام عبدالصمد طستی است (ذکر حدود سیصد مسأله). اما اشاره به اصل موضوع یا اکتفا کردن به ذکر یک یا دو شاهد شعری از ابن عباس، در بسیاری از کتب قدیمی مانند فضائل القرآن ابو عبید قاسم بن سلام (ف 244هـ) آمده است. میرد نیز در کامل به این مسائل اشاره کرده و در بعضی از روایات خود به ابو عبیده معمر بن مثنی (ف 209هـ) استناد می‌کند.⁷¹

5. حکم به انتحال و جعلی بودن تمام یا بعضی از این سؤالات، با افراط و مبالغه همراه است، چرا که بزرگان موثقی به نقل آن پرداخته و بر صحت آن تأکید کرده‌اند، کسانی مانند: ابو عبید قاسم بن سلام (ف 244هـ) در فضائل القرآن، میرد (ف 286هـ) در الکامل، ابوزید محمد بن ابی خطاب قرشی (قرن سوم هجری) در جمهرة أشعار العرب، محمد بن جریر طبری (ف 310هـ) در جامع البیان، ابوبکر ابن انباری (ف 328هـ) در ایضاح الوقف و الإیتداء، امام ابوالحسین عبدالصمد طستی بغدادی (ف 346هـ) در مسائل الطستی، امام طبرانی (ف 360هـ) در المعجم الکبیر، امام زرکشی (ف 794هـ) در البرهان فی علوم القرآن، امام سیوطی (ف 911هـ) در الإیتقان فی علوم القرآن.⁷²

استشهاد به اشعار جاهلی

مطالعه آثار روایتی و تفسیری صدر اسلام نشان می‌دهد که مهم‌ترین محور دقت و کنکاش مفسران طبقه نخست، متوجه نقل حدیث و سپس دقت در معانی لغوی واژگان قرآنی بوده است.⁷³



از مصادر مهمی که در فهم معانی الفاظ و کلمات قرآن حائز اهمیت بوده و مفسران نخستین از آن بهره جسته‌اند، شعر عرب است؛ اما ابن عباس اولین و سرآمدترین مفسری است که از این مصدر به نحو احسن استفاده کرد و در فهم الفاظ غریب قرآن از شعر بسیار مدد گرفت و بدان در تفسیر استشهاد کرد.⁷⁴ پس از او کسانی مانند سعید بن جبیر (ف 94هـ)، عکرمه (ف 105هـ)، ضحاک بن مزاحم (ف 105هـ)، ابن زید (ف 182هـ)، اسماعیل سُدّی کوفی (ف 128هـ) که جزء تابعان و اتباع تابعان و غالباً از شاگردان او محسوب می‌شوند به این روش اتکا کرده و در تفسیر برخی مفردات آیات از شعر عرب به عنوان پشتوانه معنایی الفاظ استفاده کرده‌اند.⁷⁵

بهره‌جویی ابن عباس از لغت و شعر عرب جاهلی در حدی است که برخی شهرت علمی تفسیر وی را نتیجه تبخّر و آشنایی وی به لغت عرب می‌دانند و او را حقیقتاً خالق و بنیانگذار شیوه «تفسیر لغوی قرآن» به حساب می‌آورند.⁷⁶

از آنجا که شعر، قدرتمندترین گنجینه لغت عرب است و نیز برای شناخت لغات مهجور و غریب، بهترین مأخذ به شمار می‌آید⁷⁷ و شعر جاهلی از نظر تاریخی بر نزول قرآن کریم مقدم بوده و شناسنامه معنوی هر واژه محسوب می‌گردد، پایه و مبنای این عقیده ابن عباس را که باید برای درک معنای واژگان غریب قرآن از آن کمک گرفت را شکل می‌دهد.⁷⁸

ابن عطیه در مقدمه تفسیر خود حدیثی آورده - که در صورت صحت آن - ما را تا حدودی به انگیزه ابن عباس در استشهاد به اشعار کهن برای تفسیر قرآن آگاه می‌سازد. وی می‌نویسد: «ابن عباس گفته است: مردی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسید کدامیک از معارف و علوم قرآن دارای شرف و فضیلت بیشتری است؟ ایشان فرمودند: عربیت آن و این جهت را در شعر جستجو کنید»⁷⁹ همچنین از آنجایی که شعر دارای ویژگی‌های ذاتی خاص و دلیل نخست و نمونه عالی فصاحت و بلاغت عرب است و مصدر زبان آنان محسوب می‌شود، ملجأ و تکیه گاه ابن عباس قرار گرفته است.⁸⁰



سیوطی از ابن انباری آورده که ابن عباس گفت: «شعر، دیوان (واژه نامه) عرب است، پس هرگاه لفظی از قرآنی که خداوند آن را به زبان عرب نازل فرموده بر ما مخفی بود، به دیوان عرب رجوع نموده و شناخت آن را جستجو می‌کنیم.»⁸¹ همچنین از طریق عکرمه از ابن عباس نقل کرده که گفت: «هرگاه از واژه‌های ناآشنای قرآن از من پرسیدید آن را در شعر جستجو نمایید که شعر، دیوان عرب است.»⁸² طبری نیز از او روایت کرده است که: «هرگاه چیزی از قرآن مبهم و پوشیده بود در شعر بنگرید؛ زیرا شعر، عربی است»⁸³ احادیث روایت شده فوق از صحابی بزرگی مثل ابن عباس خود دلیلی بر جواز استشهاد به شعر جهت تفسیر مفردات قرآن شمرده می‌شود، هر چند که برخی با برداشت اشتباه از آیات قرآن کریم و احتجاج به احادیث روایت شده در مذمت شعر، در کنار غفلت از بخش دیگر روایات و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدح شعرای زمان خود و استدلال به اینکه با استناد به شعر آن را اصل قرار داده‌ایم، به انکار و رد این روش می‌پردازند.⁸⁴

روش لغوی ابن عباس تا دوره تابعان و پس از آنان ادامه یافت، تا جایی که میان فقهاء و لغویون نزاع در گرفت و آنان این روش را مردود شمرده و گفتند که اگر برای فهم معنای غریب قرآن به شعر استشهاد گردد، در واقع شعر اصل و قرآن فرع قرار داده می‌شود و این در حالی است که قرآن و حدیث، شعر را مذمت کرده‌اند.⁸⁵ صاحبان این اندیشه دچار خطا شده‌اند چرا که در این روش، شعر برای قرآن اصل و مبنا در نظر گرفته نشده است، بلکه در واقع شعر بیان کننده و آشکار کننده واژگان غریب قرآن است.⁸⁶ این در حقیقت زدودن جهل نسبت به معانی واژه‌ها در کاربردهای فصیحان عرب و افزایش علم به زبان عربی فصیح است، نه اینکه قرآن را فرع و تابع شعر عرب قرار داده باشیم.⁸⁷ ابن انباری می‌گوید: «صحابه و تابعان در موارد فراوان هنگام برخورد با الفاظ ناآشنا و مشکل قرآن، به شعر استدلال می‌کردند؛ اما بعضی از جاهلان و ناآگاهان در این کار بر نحویان خرده گرفته‌اند که شما با این کار، شعر را اصل قرار داده و قرآن را فرع آن می‌دانید؛ ولی حقیقت، خلاف

پندار آنان است چه اینکه مقصود نحویان از این کار، تبیین واژه دشوار قرآن به وسیله شعر عربی است (نه آن که شعر اصل باشد و قرآن فرع)؛ زیرا قرآن کتابی است که به زبان عرب نازل گردیده است. خداوند در وصف قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (زخرف: 3) و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ (نحل: 103)⁸⁸ در واقع مفسر قرآن، سخنان اهل لغت را به عنوان شاهد و پشتوانه بررسی می‌کند تا با آگاهی و اطلاعات بیشتری به تبیین مراد الهی از آیات بپردازد و این هرگز به معنی فرع قرار دادن قرآن نیست؛ زیرا همه این تلاش‌ها و مراجعات، در جهت بهره‌مند شدن بیشتر از قرآن و فهم مراد خدای متعال است.⁸⁹ هر چند اصل استفاده از اشعار عرب در فهم معانی مفردات قرآن روش صحیح و عقلایی است؛ ولی موارد استفاده آن توسط ابن عباس و سایر مفسران شایان بررسی و نقد است.⁹⁰ به نظر می‌رسد این کار به شکل شایسته و قابل توجهی توسط دکتر بنت الشاطی صورت گرفته است.

روش ابن عباس که در شرح و تفسیر لغات قرآن مکرراً به شعر عربی استشهد می‌کرد، بسیار مورد توجه واقع شد. او با این روش، جایگاه و اهمیت شعر جاهلی در فهم لغات غریب قرآنی را گوشزد کرد، آنچنانکه پس از او نیز مفسران بزرگ و برجسته‌ای مانند طبری (تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، رمّانی (الجامع لعلم القرآن)، ابن عطیّه (تفسیر المحرر الوجیز)، زمخشری (تفسیر کشاف)، فخر رازی (تفسیر مفاتیح الغیب)، قرطبی (تفسیر جامع احکام القرآن)، ابوحنیفان (تفسیر البحر المحیط)، طبرسی (تفسیر مجمع البیان)، طوسی (تفسیر تبیان)، میبیدی (تفسیر کشف الأسرار و عدة الأبرار)، ابوالفتح رازی (تفسیر روض الجنان و روح الجنان)، و دیگران برای تبیین مفردات غریب و نامأنوس آیات و توضیح و شرح اسالیب قرآن از اشعار عربی به ویژه شعر جاهلی استمداد جستند.⁹¹

امام فخر رازی در تفسیر کبیر به ذکر شواهد شعری، به قصد استشهد لغوی یا نحوی یا بلاغی، اعتنای قابل توجهی دارد.⁹² طبری در بحث مقدماتی‌اش ذیل هر آیه برای بیان



دیدگاه تفسیری خود که بیشتر توضیح واژگان و اصطلاحات مشکل آیه است، از دیگر آیات قرآنی، اشعار جاهلی و علوم لغت، نحو و بلاغت بهره می‌برد. استفاده او از شعر جاهلی در تفسیر آیات، روش او را در این بخش به روش ابن عباس شبیه می‌سازد.⁹³ حتی می‌توان گفت اگر مفسران بزرگ قرآن از شعر عربی برای توضیح پاره‌ای از لغات قرآنی استفاده نمی‌کردند، چه بسا بسیاری از مفاهیم لغت قرآن ناشناخته و یا حداقل در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند و این امر، عظمت ابن عباس و شیوه تفسیری او را بهتر آشکار می‌کند.⁹⁴

مترجم کتاب اعجاز بیانی قرآن اثر بنت الشاطی معتقد است که تفسیر ابن عباس از واژگان غریب قرآنی از نظر مؤلف کتاب، تفسیری بر وجه تقریب است؛ چرا که بنت الشاطی واژه قرآنی را دارای جلالی خاص و منحصر به فرد و اعجاز خاص می‌داند و در فهم نص قرآنی پایبندی خاصی به خود واژه قرآنی دارد. از نظر مؤلف کتاب به کمک زبان عربی می‌توان دلالت واژه قرآنی را در این زبان دریافت و در شعر فصیح که دیوان عرب است، شواهدی بر این دلالت و مدلول جست و از طریق حدیث نبوی که مبلّغ و مبین قرآن است به محتوای اصلی آن پی برد و از راه گفته‌های صحابه و مفسران به تقویت فهمی که از این واژه حاصل می‌شود می‌توان پرداخت.⁹⁵

از شواهد گویا و روشن این شیوه تفسیری ابن عباس، همانگونه که قبلاً اشاره شد پرسش و پاسخ نافع بن ازرق با اوست. در این مباحثه، نافع نزدیک به دویست سؤال قرآنی از ابن عباس کرده و ابن عباس در پاسخ او به همین مقدار از شعر جاهلی استشهاد کرده است.⁹⁶ شایان ذکر است که کتابهای غریب القرآن و معانی القرآن که غالباً توسط لغویون در قرن دوم و پس از آن نگاشته شده، مملوّ از شواهد شعری در تبیین و توضیح واژگان و اسالیب قرآنی است که مؤلفان آن به نوعی از ابن عباس تبعیت کرده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به کتاب مجاز القرآن ابو عبیده (ف210هـ)، غریب القرآن ابو عبدالرحمن عبدالله بن یحیی



یزیدی (ف 237هـ)، غریب القرآن ابن عزیز سجستانی، تفسیر غریب القرآن ابن قتیبہ (ف 276هـ)، معانی القرآن فراء (ف 207هـ)، و اخفش (ف 215هـ)، و زجاج (ف 311هـ) اشاره کرد.⁹⁷ ققطی درباره کتاب یزیدی می‌گوید: «او کتابی در غریب القرآن که در نوع خود نیکو و پسندیده است تصنیف کرده، که آن را در شش جلد دیدم، در حالی که برای هر کلمه‌ای از قرآن به ابیات شعر استشهد کرده بود...»⁹⁸

نقد ابن روش

یکی از نویسندگان معاصر بر این عقیده است که استفاده از ابن روش آن هم به صورت افراطی، ریشه در دلایل سیاسی داشته و در دوران خلیفه دوم به توصیه و ارشاد او مطرح می‌گردد. ایشان می‌نویسد: پس از گوشه نشین ساختن اهل بیت علیهم السلام و عدم تمسک به آنان در تفسیر قرآن و ممنوعیت نقل و نشر حدیث، جامعه دچار خلاء فکری شدید گردید. از این رو بدیهی است که خلفا به دنبال این باشند که این خلاء پدید آمده را جبران کنند؛ به طوری که موجب تقویت پایه‌های حکومت آنان نیز باشد. به این منظور به احیای اشعار و ادبیات جاهلی اقدام کردند و به آن رنگ قرآنی دادند، تا به این وسیله پذیرش اجتماعی آن را آسان سازند، یا به عبارت دیگر عوام را بفریبند... با مطالعه تاریخ تفسیر قرآن به وسیله شعر جاهلی در می‌یابیم که ابن روش تفسیری اولین بار توسط جریان و مکتب خلفا به صورت افراطی دامن زده شد.⁹⁹

خلیفه دوم، صحابه را در تفسیر آیات، برای اجتهاد و دریافت معانی و هم چنین تفسیر آنها، به شعر عرب ارجاع می‌داد و می‌گفت: «دیوان خود را حفظ کنید تا گمراه نشوید. پرسیدند: دیوان ما کدام است؟ گفت: شعر جاهلیت؛ زیرا تفسیر کتاب شما (قرآن) و معانی گفتارتان در آن موجود است.»¹⁰⁰



بدین ترتیب، خلیفه دوم هم در کشف معنای الفاظ قرآن و هم در تفسیر قرآن، صحابه را به شعر جاهلی ارجاع می‌داد، با آنکه او می‌داند قرآن از سنخ شعر نیست، تا بتوان آن را با شعر جاهلی که از دروغ پردازی‌ها و خیال بافی‌ها پر است، تفسیر کرد. این در حالی است که از انس بن مالک نقل شده است: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از فتح مکه وارد شهر می‌شد و اهل مکه ساکت و خاموش به حضرت می‌نگریستند، ابن رواحه که پیشاپیش پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت می‌کرد و راه را باز می‌کرد، به سرودن ابیاتی در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام پرداخت، لکن عمر گفت: ای ابن رواحه! آیا در حرم خدا و در پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله شعر می‌گویی؟! سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خاموش باش ای عمر! به خدایی که جانم در دست اوست، کلام ابن رواحه سخت‌تر و گران‌تر است بر آنها از وقوع تیر بر آنها.¹⁰¹

همانگونه که ملاحظه می‌شود عمر نیز در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله شعر را قبیح می‌دانست و حتی از سرودن شعر در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و دین اسلام ناخشنود بود و از آن منع می‌کرد؛ اما چگونه است که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله کاملاً تغییر جهت داده، حتی در تفسیر قرآن نیز اصحاب را به شعر عرب ارجاع می‌دهد و آن را دیوان عرب می‌نامد؟!

بنابراین، در جریان و مکتب خلفا نه تنها سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر رعایت نمی‌گردد، بلکه تفسیر قرآن به وسیله شعر جاهلی به صورت افراطی دامن زده می‌شود و دیگران را به آن توصیه می‌کنند.

علت افراط در این اسلوب به پر کردن خلاء فکری جامعه ناشی از منزوی کردن اهل بیت علیهم السلام باز می‌گردد. علامه طباطبایی رحمه الله می‌گوید: «اشتغال دیگری که مسلمانان داشتند نقل و روایت اشعار بود که خود یک سنت قدیمی عرب بود؛ ولی اسلام اهتمامی به این امر نکرد و در کتاب مجیدش حتی یک کلمه شعر و شعراء را نستود. سنت

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز پر و بالی به آن نداد. این وضع بود تا وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت نمود و مسأله خلافت، جریانی به خود گرفت که معروف است.¹⁰²

همچنین برخی از نویسندگان به این مطلب اشاره کرده و نوشته‌اند: «چون دستگاه خلافت، رسماً محدودیت و ممنوعیت نگارش حدیث و جلوگیری از تفسیر قرآن را در سرلوحه کار خویش قرار داده و دسترسی تازه مسلمانان به بیانات روشن‌گراانه رسول خدا صلی الله علیه و آله را با مشکل مواجه ساخته بود، بر این اساس بود که بعضی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تفسیر و تبیین قرآن کریم، علاوه بر قرآن و سنت، به سراغ اشعار و ضرب‌المثل‌های عرب رفتند و با تکیه بر آنها حقایق قرآن کریم را بررسی می‌کردند.»¹⁰³

همانطور که ملاحظه می‌شود، احیای فرهنگ جاهلی عرب مبنی بر سرودن شعر و حفظ اشعار جاهلی به عنوان دیوان عرب با سرپوش کشف معانی الفاظ قرآن و افراط در آن، کار را به جایی رساند که قرآن کریم و تفسیر و مفسران واقعی آن در جامعه مهجور ماندند.

این نکته نیز شایسته ذکر است که مکتب تفسیری اهل بیت علیهم السلام در استفاده از اشعار جاهلی، به عنوان ابزاری در تفسیر قرآن، به طور دقیق نقطه مقابل مکتب تفسیری صحابه به شمار می‌آید. در تفسیر اهل بیت علیهم السلام، مواردی وجود دارد که از لغت عرب در تبیین و توضیح مفهوم آیه‌ای استفاده شده است؛ ولی شاید نتوان موردی را پیدا کرد که در تفسیر یک آیه، جمله و یا کلمه‌ای به شعر جاهلی تمسک کرده باشند و این بیانگر روش تفسیری اهل بیت علیهم السلام است. فلسفه این موضع‌گیری را شاید بتوان از کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به دست آورد: «این شاعران در یک میدان، اسب نتاخته‌اند، تا معلوم شود کدام یک گوی سبقت را ربوده‌اند، اگر ناچار اظهارنظری باید کرد، باید گفت آن پادشاه گمراه [امرؤ القیس] بر دیگران مقدم است.»¹⁰⁴ بدین سان، پرهیز اهل بیت علیهم السلام از به کارگیری شعر جاهلی در تفسیر قرآن و موضع‌گیری منفی در برابر



اشعار جاهلی از این جهت بوده است که شیوه تفسیر قرآن با شعر جاهلی را در عمل تخطئه کنند و آن را عملی دور از ساحت قرآن معرفی نمایند.¹⁰⁵

آغاز سنت معناشناسی در جهان اسلام

هر چند تقد فوق به مطلب قابل تأملی اشاره می‌کند؛ اما باید نکات ذیل را نیز مد نظر قرار داد:

1. ابن عباس پرورش یافته تمام عیار مکتب امیر مؤمنان علی علیه السلام است. او دانش تفسیر را نزد امام علیه السلام فرا گرفت؛ لذا در تفسیر قرآن و استنباط مفاهیم آن، از شیوه ای درست پیروی نموده است. وی در تفسیر قرآن و فهم معانی آن بر شیوه سلف صالح که اساس آن بر پایه‌های استوار بنا نهاده شده بود راه می‌پیمود و هرگز منحرف نگردید.¹⁰⁶

2. قرآن کریم از هر جهت به شیوه فصیح زبان عرب نازل شده است. از این رو هرگاه فهم کلمات قرآن بر کسی مشکل باشد، باید برای رفع آن به کلام فصیح عرب معاصر نزول قرآن مراجعه نماید. چه اینکه قرآن به زبان آنان و بر اساس شیوه‌های شناخته شده آن زبان نازل گردیده است. لذا مشاهده می‌نماییم ابن عباس هرگاه با موارد ابهام در قرآن مواجه می‌شد یا در فهم واژه‌ای دچار اشکال می‌گردید به اشعار فصیح دوران جاهلیت و سخنان بلند و بدیع آنان روی می‌آورد.¹⁰⁷

3. ابن عباس با تکیه و اهتمام به این روش تفسیری در جهت معناشناسی سطوح مختلف کلام الهی، دستاوردهای مهم و تاثیرگذاری را در تکوین معناشناسی (به ویژه معناشناسی واژگانی) کسب و به نسل‌های بعد تقدیم کرد. وی با بهره‌گیری از اشعار جاهلی و کلام عرب در تعیین معنای صحیح واژگان مبهم قرآنی که حاکی از احاطه گسترده ابن عباس بر ادب عربی جاهلی و نبوغ وی است، در جهت طرح ریزی بستری برای پیمودن دوران گذار از نسل شاهد حضور صحابه به نسل محروم از حضور صحابه گام برداشت. ابن عباس

واقف بود که نسل‌های بعدی به دلیل عدم بهره‌گیری از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله باید دستمایه‌ای دیگر برای فهم واژگان قرآن کریم داشته باشند و این دستمایه باید همان ادبیات هم‌اورد قرآن یعنی ادب جاهلی باشد؛ همان ادبیاتی که کلام معجز الهی در بسترش نازل شده است.¹⁰⁸

دو نمونه از مسائل نافع

تسلط ابن عباس به زبان و اشعار عرب در سطحی بود که او را در زمینه توان علمی‌اش در زمان خود بی‌مانند و کاملاً ممتاز ساخت. همین نکته است که او را به حق، «پیشوای تفسیر لغوی» قرار داده و دیگران به آن اذعان می‌کنند: «شیوه تفسیر لغوی را ابن عباس ابداع نمود»¹⁰⁹

تمامی مسائل نافع بن ازرُق در کتاب *الاتقان سیوطی* ذکر شده و پس از او، محققان و نویسندگان معاصر به صورت مفصل به شرح و توضیح آن موارد پرداخته‌اند. سیوطی می‌گوید: «تاکنون موارد زیادی از استشهاد ابن عباس به اشعار را هنگام توضیح واژه‌های مشکل قرآن نقل کردیم که طولانی‌ترین آنها، مسائل ابن ازرُق است» سپس تمام آن مسائل را برشمرده که در اینجا به نمونه‌ای از آن اکتفا می‌کنیم:

«ابن عباس در مسجدالحرام نشسته بود، مردم دور تا دور او را گرفته بودند و از او درباره تفسیر قرآن و حلال و حرام آن می‌پرسیدند. در این حال نافع بن ازرُق به نجده بن عویمر [یا نجده بن عامر حنفی] (ف 69هـ)¹¹⁰ گفت: برویم نزد این فرد که با گستاخی و به رغم نادانی و کم‌دانشی به تفسیر قرآن پرداخته است. آن دو نزد ابن عباس آمدند و گفتند: از تو پرسش‌هایی درباره قرآن داریم که می‌خواهیم برایمان تفسیر کنی و شاهد صدق آن را از کلام عرب بیاوری؛ زیرا خداوند قرآن را به زبان عربی آشکار فرستاده است. ابن عباس گفت: بپرسید! نافع بن ازرُق به ابن عباس گفت:



1. از قول خداوند متعال ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عِزِينَ﴾ (معارج: 37) «گروه گروه، از راست و از چپ [هجوم می آورند]» آگاهم کن که به چه معناست؟ ابن عباس گفت: «عزین، الحَلَقُ مِنَ الرَّفَاقِ» (عزون یعنی حلقه‌هایی از دوستان). نافع گفت: آیا عرب با چنین تفسیری آشناست؟ ابن عباس پاسخ داد: بله، آیا سروده عبید بن ابرص را نشنیده‌ای که می‌گوید:

فَجَاءُوا يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ حَتَّى
يَكُونُوا حَوْلَ مِنْبَرِهِ عِزِينَ

«پس آمدند در حالی که به سوی او می‌شتافتند تا آنکه گرد منبرش حلقه زنند»¹¹¹

کلمه «عزین» هم به لحاظ صیغه و هم ماده تنها یک بار در قرآن آمده است. تفسیر این کلمه به حلقه‌هایی از دوستان، تفسیری بر وجه تقریب است.¹¹² راغب می‌گوید: اصل عزین از «عَزَوْتُهُ فَاعْتَزَى يَعْنِي نَسَبْتُهُ فَانْتَسَبَ» است و گویا آن جماعتی است که همه به یکدیگر منتسب هستند.¹¹³ اختصاص حلقه‌ها به حلقه‌های دوستان در تفسیر ابن عباس، قیدی است برای بیان این معنا که عزین جماعتی‌اند که هر یک به دیگری منسوب است؛ البته با تفاوت میان روی آوردن کافران به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله که از روی دشمنی صورت گرفته و میان گرد آمدن کسانی که در بیت شعر از آنان یاد شده است، چرا که آن به منظور تأیید و پشتیبانی صورت گرفته است.¹¹⁴

2. نافع درباره این فرموده خداوند: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده: 35) پرسید که «وسيله» به چه معناست؟ ابن عباس پاسخ داد: «الوسيلة، الحاجة» (وسيله به معنای نیاز و حاجت است). پرسید آیا عرب چنین معنایی را می‌شناسد؟ ابن عباس پاسخ داد: آری! آیا نشنیده‌ای که عنتره می‌گوید:

إِنَّا خُذُوكَ تَكْحَلِي وَتَخْضَبِي
إِنَّ الرِّجَالَ لَهُمُ إِلِكٌ وَسَيْلَةٌ

«مردان به تو نیازمندند که تو را بگیرند [پس به چشمان خویش] سرمه بکش و [دستان را] حنا کن»¹¹⁵



این کلمه در آیه شریفه ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ﴾ (اسراء: 57) نیز آمده است. در قرآن کریم در غیر این دو آیه، کلمه‌ای از این ماده نیامده است.

تفسیر واژه وسیله به حاجت تنها می‌تواند برای نزدیک کردن معنای آن به ذهن باشد، چه در قرآن کریم سه بار کلمه «حاجة» و در هر سه مرتبه به صورت نکره به کار رفته است: ﴿إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ﴾ (یوسف: 68) و ﴿وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ﴾ (غافر: 80) و ﴿وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا﴾ (حشر: 9)

اینکه حاجت در دل یا در سینه‌هاست، نشان می‌دهد که حاجت امری است که به یک احساس درونی و روانی تعلق می‌گیرد و سبب این احساس نیز رغبت در چیزی و یا احساس فقر و کمبود است؛ این در حالی است که واژه «وسيله» در دو آیه مذکور، تنها تعلق به درگاه خداوند سبحان دارد و در مصادیقی مانند تقوا، خشیت، جهاد و دعا تحقق می‌یابد. بنابراین، کلمه «حاجت» به رغم نزدیک بودن به مفاد واژه «وسيله» معنای توسل به درگاه خداوند متعال و تقرب جستن به او و در صدد یافتن راهی به سوی او بدانچه او را خشنود می‌سازد که در کلمه «وسيله» نهفته است را ادا نمی‌کند.¹¹⁶



پی نوشت ها:

1. ابن اثیر، علامه عزالدین ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری (ف630هـ)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة ، بی تا، 3/291؛ ابن حجر عسقلانی، 1992، 4/141.
2. بهار دوست، علیرضا، تفسیر صحابه، 1382، 7/632.
3. گلدزیهر، 1995، 89؛ معرفت، 1385، 1/242.
4. قرطبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد (ف671هـ)، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، 2003، 35/1؛ ابن ابی الحدید، 1996، 19/1.
5. حارثی، د. فهد عرابی، فصول فی تأخی الأدبی و الشرعی ، 1995، 153-200.
6. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، 1385، 1/218.
7. حارثی، د. فهد عرابی، فصول فی تأخی الأدبی و الشرعی ، 1995، 39 و 43.
8. سزکین، د. فؤاد، تاریخ التراث العربی ، 1991، 61/1.
9. مبرد، ابوالعباس محمد بن یزید (ف285هـ)، الکامل، بی تا، 1144-1151؛ سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 258-281.
10. رک: کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج3، ص4؛ خیاطی، 1419، 152-155.
11. گلدزیهر، ایگناس، مذاهب التفسیر الإسلامی، ترجمه به عربی: دکتر عبدالحلیم نجار، قاهره، مکتبه الخانجی، 1374هـ/، 1995، 90.
12. طیار، مساعد بن سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم ، 1422، 38 و 39.



13. ابن اثیر، علامه عزالدین ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری (ف630ھ)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة ، بی تا، 3/292، ابن حجر عسقلانی، امام حافظ شهاب الدین احمد بن علی (ف852ھ)، الإصابة فی تمييز الصحابة ، 1992، 4/141؛ طعمی، 1994، 19 و23.
14. ابن اثیر، علامه عزالدین ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری (ف630ھ)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة ، بی تا، 3/294، ابن حجر عسقلانی، امام حافظ شهاب الدین احمد بن علی (ف852ھ)، الإصابة فی تمييز الصحابة ، 1992، 4/151؛ ادنہوی، 1997، 3؛ ذہبی، 2000، 1/50؛ طعمی، 1994، 129 و130.
15. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، ابن عباس، دایرة المعارف تشیع، ج1، نشر شهید سعید محبی، ج5، 1383ش، 345 و346.
16. امینی، 1994، 1/78 ش76.
17. معرفت، محمد ہادی، تفسیر و مفسران ، 1385، 1/222.
18. حلّی، 1417، 19؛ خرمنشاهی، 1381، 1/660.
19. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، ابن عباس، دایرة المعارف تشیع، ج1، نشر شهید سعید محبی، ج5، 1383ش، 345 و346، 1/344.
20. پیشوائی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیہ السلام، ج5، 1376ش، 71.
21. قرطبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد (ف671ھ)، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، 2003، 35/1.
22. ابن ابی الحدید، فخر الدین ابوحامد عبدالحمید بن ہبة الله معتزلی (ف656ھ)، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراہیم، بیروت، دار الجیل، ج2، 1416ھ/1996، 19/1.



23. زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، مكتبة دار التراث، ج3، 1404هـ/1984م، 157/2.
24. ابن سعد، 2001، 2/315؛ طبرانى، بى تا، 10/292 و293؛ ابن اثير، بى تا، 3/292؛ ابن حجر عسقلانى، 1992، 141/143 و144؛ سيوطى، حافظ جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر (ف911هـ)، الإقتان فى علوم القرآن، 2008، 783 و784؛ ذهبى، 2000، 1/52؛ طعمى، 1994، 63-71؛ حارثى، 1995، 54-57.
25. قرطبى، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن احمد (ف671هـ)، تفسير القرطبى (الجامع لأحكام القرآن)، 2003، 35/1؛ ابن حجر عسقلانى، امام حافظ شهاب الدين احمد بن على (ف852هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، 1992، 146/4؛ ذهبى، 2000، 1/50؛ حارثى، 1995، 77.
26. قرطبى، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن احمد (ف671هـ)، تفسير القرطبى (الجامع لأحكام القرآن)، 2003، 35/1؛ ابن حجر عسقلانى، امام حافظ شهاب الدين احمد بن على (ف852هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، 1992، 146/4؛ سيوطى، حافظ جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر (ف911هـ)، الإقتان فى علوم القرآن، 2008، 784.
27. ابن حجر عسقلانى، امام حافظ شهاب الدين احمد بن على (ف852هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، 1992، 148/4؛ ذهبى، 2000، 1/51.
28. ابن سعد، 2001، 2/317؛ ابن حجر عسقلانى، امام حافظ شهاب الدين احمد بن على (ف852هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، 1992، 151/4؛ ادنهوى، 1997، 3؛ ذهبى، 2000، 1/50؛ طعمى، 1994، 127.
29. ذهبى، 2000، 1/52.
30. حريزى، فيروز، نقش شعر در فهم معانى قرآن كريم، 1377، 3.
31. ابن سعد، 2001، 2/316؛ ابن اثير، بى تا، 3/292؛ ابن حجر عسقلانى، امام حافظ شهاب الدين احمد بن على (ف852هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة، 1992، 147/4 و148؛ ادنهوى، 1997، 3؛ سيوطى، حافظ جلال الدين

- عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 784؛ گلدزیهر، 1995، 83؛ ذہبی، 2000، 1/50؛ طعمی، 1994، 53-61.
32. ابن سعد، 2001، 2/318؛ حارثی، 1995، 66-69؛ صدر حاج سید جوادی، 1383، 1/345؛ طعمی، 1994، 88.
33. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 783؛ ذہبی، 2000، 1/49 و 50.
34. بہار دوست، علیرضا، تفسیر صحابہ ، 1382، 7/634؛ حارثی، 1995، 129-133.
35. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 258-281.
36. خرماہی، بہاء الدین، تفسیر ابن عباس، دانشنامہ قرآن و قرآن پژوهی، تہران، انتشارات دوستان - ناہید، ج2، 1381ش، 1/125.
37. قرطبی، شمس الدین ابو عبد اللہ محمد بن احمد (ف671ھ)، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، 2003، 10/110 و 111؛ ذہبی، 2000، 1/57.
38. برگ، ہربرت، ابن عباس در تفاسیر دورہ عباسیان، مترجم: مرتضی کریمی نیا، دو ماہنامہ آینہ پژوهش، سال بیستم، شمارہ 4 (پیاپی 118)، مہر و آبان 1388ش، 17.
39. حجتی، 1353، 96-100.
40. برگ، ہربرت، ابن عباس در تفاسیر دورہ عباسیان، مترجم: مرتضی کریمی نیا، دو ماہنامہ آینہ پژوهش، سال بیستم، شمارہ 4 (پیاپی 118)، مہر و آبان 1388ش، 18.
41. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911ھ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 787.



42. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران ، 1385، 1/226.
43. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران ، 1385، 1/227 به نقل از مناہج فی التفسیر، ص 41.
44. خرمشاهی، 1381، 1/125؛ بابایی، 1389، 155-166.
45. تحقیق درباره شخصیت ابن عباس و روش تفسیری او، سید ابراهیم میرباقری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، استادان راهنما: یحیی نوری، و سید محمدباقر حجتی.
46. بابایی، 1389، 1/145 و 146.
47. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران ، 1385، 1/281 و 282.
48. سعید، 1370، ص 54.
49. طیار، مساعد بن سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم ، 1422، 329.
50. رحمتی، 1382، 42؛ رحمتی، 1382، 7/675 و 676.
51. ابن ندیم، بی تا، 37؛ رحمتی، 1382، 45.
52. معرفت، 1385، 1/236.
53. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 146.
54. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 149 و 150.
55. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 258-281.
56. حارثی، د. فهد عرابی، فصول فی تأخی الأدبی و الشرعی ، 1995، 116 به نقل از: ابن عباس، بکار، ص 63.



57. ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم (ف328هـ)، إيضاح الوقف و الإبتداء فی کتاب الله ، 1971، 1/76-
98.
58. طبرانی، بی تا، 10/304-312 ش 10597.
59. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإبتقان فی علوم القرآن ، 2008،
258، 281، ذہبی، 2000، 1/57.
60. بنت الشاطی، دکتر عایشہ عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن ، 1376، 314.
61. حارثی، د. فهد عرابی، فصول فی تأخی الأدبی و الشرعی ، 1995، 97.
62. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 170-174.
63. بنت الشاطی، دکتر عایشہ عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن ، 1376، 309 و 314.
64. طیار، مساعد بن سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم ، 1422، 330 و 331.
65. بابایی، 1389، 1/151، ن.ک: امین، حسن؛ دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ج3، ص55؛ معرفت، محمد
هادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج1، ص234.
66. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 159.
67. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 160-164.
68. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 151.
69. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1995، 117 و 118.
70. بابایی، 1389، 1/158.
71. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 157-159.
72. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق ، 1419، 164-169.



73. اسلامی، هاشم، سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت علیهم السلام و صحابه، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره 5 و 6، بهار و تابستان 1375ش، 106.
74. ابن سعد، 2001، 2/316؛ سیوطی، 2008، 258؛ حریرچی، 1377، 3.
75. برای اطلاع از شواهد شعری ایشان رک: طیار، 1422، 73-76.
76. ذهبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، مکتبه وهبه، ج7، 2000م، 1/58 به نقل از المذاهب الإسلامية فی تفسیر القرآن ص69؛ حریرچی، فیروز، نقش شعر در فهم معانی قرآن کریم، 1377، 6؛ اسلامی، 1375، 107؛ رک: قربانی زرین، دانشنامه جهان اسلام، مقاله تفسیر ادبی، 7/639؛ سزکین، 1-1/59، 61-63-64؛ کحاله، 62.
77. اسلامی، هاشم، سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت علیهم السلام و صحابه، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره 5 و 6، بهار و تابستان 1375ش، 107.
78. حریرچی، فیروز، نقش شعر در فهم معانی قرآن کریم، 1377، 4 و 5.
79. ابن عطیه، 2001، 40؛ حجتی، 1353، 75.
80. حارثی، د. فهد عرابی، فصول فی تأخی الأدبی و الشرعی، 1995، 94.
81. ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم (ف328هـ)، ایضاح الوقف و الإبتداء فی کتاب الله، 1971، 1/100 و 101؛ سیوطی، 2008، 258؛ ذهبی، 2000، 1/58.
82. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن، 2008، 258.
83. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ج1، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ج4، 1389ش، 1/157 به نقل از: تفسیر طبری، ج17، ص143.
84. طیار، مساعد بن سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم، 1442، 158 و 159.



85. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 258.
86. ذہبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، مکتبہ و ہبہ، ج 7، 2000م، 1/58.
87. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ج 1، پژوهشگاہ حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ج 4، 1389ش، 159 و 1/158.
88. ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم (ف328هـ)، ایضاح الوقف و الإبتداء فی کتاب اللہ، 1971، 100 و 1/99؛ سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 258؛ بنت الشاطی، 1376، 313.
89. رفیعی، 1381، 21.
90. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ج 1، پژوهشگاہ حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ج 4، 1389ش، 1/159.
91. حریرچی، فیروز، نقش شعر در فہم معانی قرآن کریم ، 1377، 1 و 2؛ طیار، 1422، 183-253؛ خیاطی، 1419، 139 و 140.
92. خرمشاهی، بہاء الدین، تفسیر ابن عباس، دانشنامہ قرآن و قرآن پژوهی، تہران، انتشارات دوستان - ناہید، ج 2، 1381ش، 11.
93. دہقانی، 1387، 15/748 بہ نقل از گلدزیہر، ص 92.
94. حریرچی، فیروز، نقش شعر در فہم معانی قرآن کریم ، 1377، 6.
95. بنت الشاطی، دکتر عایشہ عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن ، 1376، 631.
96. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 259-281؛ اسلامی، 1375، 108.



97. طیار، مساعد بن سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم ، 1422، 162؛ خیاطی، 1419، 139.
98. همان، به نقل از إنباه الرواة قفطی، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج 2، ص 151.
99. تأثیر جریان های سیاسی بر تفسیر و مفسران دکتر علی رضا رستمی.
100. قرطبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد (ف 671هـ)، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، 2003، 10/111.
101. السنن الكبرى بیهقی، 228/10.
102. ترجمه المیزان، ج 5، ص 444.
103. مروتی، سهراب، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص 124.
104. صبحی صالح، نهج البلاغه، کلمه 455.
105. اسلامی، 1375، 109 و 110.
106. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران ، 1385، 1/227.
107. همان، 1/233 و 234.
108. شفیع پور مقدم، 1387، 18.
109. ذهبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، مکتبه وهبه، ج 7، 2000م، 1/58؛ معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران ، 1385، 1/242.
110. ن.ک: خیاطی، 1419، 155-157.
111. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف 911هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن ، 2008، 259. ذهبی، 2000، 1/57.
112. بنت الشاطی، دکتر عایشه عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن ، 1376، 317.



113. راغب اصفهانی، بی تا، 334.
114. بنت الشاطی، دکتر عایشه عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن، 1376، 318.
115. ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم (ف328هـ)، إیضاح الوقف و الإبتداء فی کتاب الله، 1971، 1/81؛ سیوطی، 2008، 259؛ ذہبی، 2000، 1/57.
116. بنت الشاطی، دکتر عایشه عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن، 1376، 318، 319.

منابع:

1. ابن ابی الحدید، فخر الدین ابوحامد عبدالحمید بن ہبۃ اللہ معتزلی (ف656ھ)، شرح نہج البلاغۃ، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراہیم، بیروت، دار الجیل، ج2، 1416ھ/1996م.
2. ابن اثیر، علامہ عزالدین ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری (ف630ھ)، أسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ، تحقیق: علی محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بیروت، دار الکتب العلمیۃ، بی تا.
3. ابن انباری، ابوبکر محمد بن قاسم (ف328ھ)، إیضاح الوقف و الإبتداء فی کتاب اللہ، تحقیق: محیی الدین عبدالرحمن رمضان، مطبوعات مجمع اللغۃ العربیۃ بدمشق، 1391ھ/1971م.
4. ابن حجر عسقلانی، امام حافظ شہاب الدین احمد بن علی (ف852ھ)، الإصابۃ فی تمییز الصحابۃ، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، 1412ھ/1992م.
5. ابن عطیہ، ابو محمد عبدالحق بن غالب اندلسی (ف546ھ)، المُحرَّر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیۃ، ج1، 1422ھ/2001م.
6. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق معروف بہ وراق (ف438ھ)، الفہرست، تحقیق: رضا تجدد، بدون مکان چاپ، بی تا.
7. ادنہوی، احمد بن محمد، طبقات المفسرین، تحقیق: سلیمان بن صالح خزی، مدینہ منورہ، مکتبۃ العلوم و الحکم، ج1، 1417ھ/1997م.



8. اسلامی، هاشم، سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت علیهم السلام و صحابه، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره 5 و 6، بهار و تابستان 1375 ش.
9. امینی، علامه عبدالحسین احمد نجفی (ف 1390 هـ)، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج 1، 1414 هـ/ 1994 م.
10. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، ج 1، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ج 4، 1389 ش.
11. برگ، هربرت، ابن عباس در تفاسیر دوره عباسیان، مترجم: مرتضی کریمی نیا، دو ماهنامه آینه پژوهش، سال بیستم، شماره 4 (پیاپی 118)، مهر و آبان 1388 ش.
12. بنت الشاطی، دکتر عایشه عبدالرحمن؛ اعجاز بیانی قرآن؛ ترجمه: حسین صابری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ج 1، 1376 ش.
13. بهار دوست، علیرضا، تفسیر صحابه، دانشنامه جهان اسلام، ج 7، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، 1382 ش.
14. پیشوائی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، ج 5، 1376 ش.
15. حارثی، د. فهد عربی، فصول فی تأخی الأدبی و الشرعی، ج 1، 1416 هـ/ 1995 م.
16. حجتی، دکتر سید محمد باقر، تحقیق درباره ابن عباس و مقام وی در تفسیر، مقالات و بررسیها، دفتر 17 و 18، سال 1353 ش.
17. حریرچی، فیروز، نقش شعر در فهم معانی قرآن کریم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان و پاییز 1377 ش، شماره 146 و 147.
18. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، مؤسسه نشر الفقهه، ج 1، 1417 هـ.
19. خرمشاهی، بهاء الدین، تفسیر ابن عباس، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان- ناهید، ج 2، 1381 ش.



20. خرمشاهی، بهاء الدین، تحقیق تفسیر کبیریا مفاتیح الغیب، مجله گلستان قرآن، شماره 93، آذر 1380 ش.
21. خیاطی، د. احمد، شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل ابن الأزرق، مجله دار الحدیث الحسینیة، شماره 15، سال 1418-1419 ق.
22. دهقانی، یونس، تفسیر طبری، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 15، شماره مقاله: 6018، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، ج 1، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، 1387 ش.
23. ذهبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، مکتبة وهبة، ج 7، 2000 م.
24. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف 502 هـ)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
25. رحمتی، محمد کاظم، تفسیر ابن عباس، دانشنامه جهان اسلام، ج 7، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، 1382 ش.
26. _____، نکاتی درباره آثار قرآنی منسوب به ابن عباس، کتاب ماه دین، شماره 74 و 75، آذر و دی 1382 ش.
27. رفیعی، ناصر، نگاهی به مصادر و مآخذ تفسیر قرآن کریم، طلوع، شماره 1، بهار 1381 ش.
28. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، مکتبة دار التراث، ج 3، 1404 هـ/ 1984 م.
29. سزکین، د. فؤاد، تاریخ التراث العربی، المملكة العربیة السعودیة، إداره الثقافه و النشر بجامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیة، ترجمه به عربی: د. محمود فهمی حجازی، مراجعه: د. عرفه مصطفی ود. سعید عبدالرحیم، 1411 هـ/ 1991 م.
30. سعید، حسن، ابن عباس مدرسته و منهجه فی التفسیر، رسالة القرآن، شماره 4، فروردین 1370 ش.
31. سیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (ف 911 هـ)، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق: شعیب أرنؤوط، اعتنى به: مصطفى شیخ مصطفى، لبنان، مؤسسة الرسالة ناشرون، ج 1، 1429 هـ/ 2008 م.



32. شفیع پور مقدم، نصیر، زبان شناسان مسلمان در تاریخ زبان شناسی اسلامی (بخش هفتم): دوران تکوین زبان شناسی اسلامی، دوره دوم (صحابه پیامبر: عبدالله بن عباس)، روزنامه رسالت، شماره 6571 به تاریخ 87/8/21، صفحه 18 (اندیشه).
33. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، ابن عباس، دایرة المعارف تشیع، ج 1، نشر شهید سعید محبی، چ 5، 1383 ش.
34. طبرانی، حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد (ف 360 هـ)، المعجم الکبیر، تحقیق: حمدی عبد المجید سلفی، قاهره، مکتبة ابن تیمیہ، بی تا.
35. طعمی، محیی الدین، إعلام الناس بفضائل خیر الأمة عبدالله بن عباس، قاهره، دار الهدی، چ 1، 1414 هـ / 1994 م.
36. طیار، مساعد بن سلیمان، التفسیر اللغوی للقرآن الکریم، دار ابن الجوزی، چ 1، 1422 ق.
37. قرطبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (ف 671 هـ)، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، تحقیق: هشام سمیر بخاری، الرياض، دار عالم الکتب، 1423 هـ / 2003 م.
38. گلذیهر، ایگناس، مذاهب التفسیر الإسلامی، ترجمه به عربی: دکتر عبدالحلیم نجار، قاهره، مکتبة الخانجی، 1374 هـ / 1955 م.
39. مبرد، ابوالعباس محمد بن یزید (ف 285 هـ)، الکامل، تحقیق: د. محمد احمد دالی، مؤسسة الرسالة، چ 2، بدون تاریخ.
40. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چ 2، 1385 ش.

